



پروبلماتیک هویت در مطالعات فرهنگی هویت و جهانی شدن

استوارت هال و لارنس گراسبرگ
ترجمه سیلوش قلی پور و علی رضامرای

هُنَالِحَى ○



عنوان و نام پدیدآور	پروپلماتیک هویت در مطالعات فرهنگی: هویت و جهانی شدن / [ویراستار دیوید مورلی، کوان-شینگ چن]، لارنس گراسبرگ؛ ترجمه سیاوش قلی پور، علیرضا مرادی.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۲۳۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۰۶۰-۷
یادداشت	هویت و جهانی شدن. وضعیت فهرست نویسی فیبا
یادداشت	کتاب حاضر ترجمه کتاب "Stuart Hall : critical dialogues in cultural studies" به ویراستاری دیوید مورلی و کوان-شینگ چن و ترجمه یک مقاله تحت عنوان "Identity and Cultural Studies: is That All There is" تالیف لارنس گراسبرگ است.
موضوع	هال، استوارت، ۱۹۳۲ - ۲۰۱۴ م.
موضوع	Hall, Stuart
موضوع	فرهنگ
موضوع	Culture
موضوع	موضوع
موضوع	کمونیسم
موضوع	Communism
موضوع	فراجدد - - جنبه‌های اجتماعی
موضوع	هویت
موضوع	Postmodernism -- Social aspects
موضوع	Identity (Philosophical concept)
شناسه افزوده	مورلی، دیوید، ۱۹۴۹ - م.، ویراستار
شناسه افزوده	Morley, David
شناسه افزوده	چن، کوان-شینگ، ۱۹۵۷ - م.، ویراستار
شناسه افزوده	Chen, Kuan-Hsing
شناسه افزوده	گروسبرگ، لارنس، ۱۹۴۷ - م.
شناسه افزوده	Grossberg, Lawrence
شناسه افزوده	قلی پور، سیاوش، ۱۳۵۳ - مترجم
شناسه افزوده	مرادی، علیرضا، ۱۳۶۱ - مترجم
شناسه افزوده	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
رده بندی کنگره	۱۳۹۶ پ/۴ HM۶۲۱
رده بندی دیویی	۳۰۶
شماره کتابشناسی ملی	۴۶۶۲۶۳۴

فرهنگ و جامعه

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
نویسنده: استوارت هال و لارنس گراسبرگ
مترجمان: سیاوش قلی‌پور (عضو هیئت‌علمی دانشگاه رازی) و علیرضا مرادی
ویرایش صوری: سجاد محمدی، فائزه نجفی، جواد کاظمی دلوئی (سرپرستار)
طراح جلد: هاجر قربانی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
نوبت چاپ: اول - تیر ۱۳۹۶
شمارگان: ۳۰۰ نسخه
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۰۶۰-۷

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴-۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ricac.ac.ir

پروبلماتیک هویت در مطالعات فرهنگی هویت و جهانی شدن

استوارت هال
لارنس گرابرگ

ترجمه
سیاوش قلی پور
علیرضا مرادی

فهرست مطالب

مقدمه مترجم	۱
چه کسی به هویت نیاز دارد؟ / استوارت هال	۱۵
چیستی هویت‌های فرهنگی / استوارت هال	۵۱
هویت فرهنگی و دیاسپورا / استوارت هال	۱۲۱
قومیت: هویت و تفاوت / استوارت هال	۱۴۷
قومیت‌های جدید / استوارت هال	۱۶۹
هویت و مطالعات فرهنگی / لارنس گراسبرگ	۱۸۷
نمایه	۲۲۹

سخن مترجم

قریب به یک دهه از آغاز تدریس رشته مطالعات فرهنگی در دانشگاه‌های ایران از قبیل تهران، رازی، علامه طباطبایی، علم و فرهنگ و کاشان می‌گذرد. به نظر می‌رسد، اکثر مواد درسی و آثار منتشر شده‌ی اساتید و دانشجویان مطالعات فرهنگی ایرانی (اگر بتوان چنین جایگاهی برای آن قائل شد)، متأثر از مطالعات فرهنگی بیرمنگام است. این مکتب فکری که در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ با ریچارد هوگارت و ریموند ویلیامز پا گرفت، متفکران متعددی همچون هال، ویلیس، هبدایچ، مورلی، گراسبرگ و غیره را کنار هم گرد آورد تا گستره‌ی وسیعی از موضوعات مختلف را مورد بحث و بررسی قرار دهند. مکتبی که نقد اقتصاد سیاسی مارکسیستی (فروکاست فرهنگ به ایدئولوژی/آگاهی کاذب و تاکید بر مبنایی بودن و تعیین کنندگی تضاد طبقاتی و منافع اقتصادی) و نقد رویکرد نخبه‌گرایانه به فرهنگ را در دستور کار خویش داشت. هال، تاثیرگذارترین متفکر این مکتب، توانست در عرصه‌های بسیاری سمت و سوی نظریه‌پردازی این مکتب را تعیین کند. علیرغم پراکندگی مباحث مطرح شده توسط استوارت

هال، می‌توان آنها را در سه حیطه ۱. سیاست تاجریسم، ۲. نظریه ارتباطی و بازنمایی و ۳. پروبلماتیک هویت متمایز کرد. سیاست تاجریسم: چپ قدیم قدرت را ضرورتاً تحت شعاع منافع اقتصادی و طبقاتی می‌دانست. اما هال به تأسی از گرامشی تأثیر فرهنگ بر سلطه طبقاتی و مشروعیت دادن به طبقه بالادست را در کنار مالکیت اقتصادی و قدرت سیاسی نشانده؛ چنانکه با کمک مفهوم «هژمونی» گرامشی به تحلیل سیاست انگلستان در زمان نخست‌وزیری خانم تاجر پرداخت. هژمونی کارکرد سیاسی و مشروعیت‌بخش فرهنگ را مورد تأکید قرار می‌دهد، به این معنا که می‌توان آن را مشروعیت‌دهی و سلطه از طریق توافق فرهنگی دانست. هال با اینکه فرهنگ را معناهای مشترک یا مجموعه مفاهیم، تلقی‌ها و ایماژهای مشترک تلقی می‌کند که به حیات اجتماعی انسجام و معنا می‌دهند، قابلیت آن در استمرار سلطه طبقاتی را انکار نمی‌کند. تاجریسم نیز گفتمانی هژمونیک است چرا که قادر است مردم و هویت‌های متفاوتی را در کنار هم گرد آورد که هیچ‌گاه در یک اردوگاه سیاسی واحد نبوده‌اند. تاجر از بازی تفاوت برای متحد کردن اکثریت علیه اقلیت استفاده می‌کرد. هال معتقد است که گفتمان هژمونیک تاجریسم مبتنی بر زبانی اخلاقی و ترکیبی از مضامین ارگانیک و پرطنین محافظه‌کاری بریتانیا مانند ملت، خانواده، اقتدار، معیارها، سنت‌گرایی و مضامین ستیزه جویانه نئولیبرالیسم احیاء شده - سودجویی، فردگرایی رقابت‌گرایانه و ضد دولت سالاری است.

نظریه ارتباطی: هال در مقاله تأثیرگذار «رمزگذاری/ رمزگشایی»، مدل ارتباطی فرستنده/ پیام/ گیرنده را به دلیل نادیده گرفتن وجوه ساختاری مورد انتقاد قرار داد و به جای آن مدل چهار مرحله‌ای: تولید، پخش، مصرف و بازتولید را ارائه کرد. برای هال هر کدام از این مراحل در عین همبستگی از دیگری مستقل هستند. در تولید محصولات رسانه‌ای

(که اولین مرحله‌ی ارتباطی نیز هست)، ساختارهای سازمانی پخش برنامه‌ها، روابط سازمان‌دهی شده زیرساخت‌های فنی و شیوه‌های تولید تعیین‌کننده هستند. فرایندهای مذکور نیز به نوبه خود تحت تأثیر قدرت و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قرار دارند. از این روی پیام‌ها با توجه به چنین شرایطی رمزگذاری می‌شوند. حال برای تبیین موضوع رمزگذاری متأثر از زبان‌شناسی دو سوسور، نشانه‌شناسی بارت و اندیشه‌های پیرس معتقد است که محصولات رسانه‌ای دارای معانی صریح و ضمنی‌اند. هر دو اینها در درون ایدئولوژی جای می‌گیرند. اما معانی صریح به دلیل اینکه کاملاً در درون ایدئولوژی ثابت شده‌اند طبیعی و جهان‌شمول بنظر می‌رسند ولی معانی ضمنی به علت چند معنایی بودن و با توجه به شرایط ساختاری متضمن‌کدگذاری از جانب تولیدکنندگان و قرائت‌های متفاوت از جانب مصرف‌کنندگان است. در مرحله مصرف و بازتولید مهم این نیست که تولیدکننده قصد تولید چه معنایی داشته است بلکه مهم آن است که در نهایت چه چیزی منتقل می‌کند. به بیان دیگر شنوندگان و بینندگان پیام‌گیرندگانی منفعل نیستند بلکه در خلق معنا شرکتی فعال دارند. از این رو مخاطبان به سه شیوه متون رسانه‌ای را قرائت می‌کنند: الف) قرائت غالب، مخاطب پیام‌ها را همانظوری که رمزگذاری شده‌اند دریافت می‌کند. ب) قرائت توافقی، مخاطب تنها بخشی از پیام رمزگذاری شده را می‌پذیرد. ج) قرائت متعارض، مخاطب قرائت رمزگذاری شده را نمی‌پذیرد.

پروبولماتیک هویت: حال به عنوان یک مهاجر تا پایان عمر درگیر مقوله هویت بود. بنابراین وی در مقالات و سخنرانی‌های متعدد به تبیین نظری و معرفتی هویت، نقش مهاجرت‌ها بر هویت فرهنگی، دیالکتیک هویت‌ها در فضای جهانی‌شدن و رابطه اقلیت‌ها با فرهنگ‌های مسلط پرداخته است. نکته قوت نظریات وی در باب هویت، همزمان با تحلیل آن در درون رویکردهای پسا ساختارگرایی،

روانکاوی، نظریه جامعه‌شناختی و زیبایی‌شناسی است. همچنین تغییرات مفهوم سوژه را در نسبت با هویت کاویده و در نهایت به لحاظ نظری، مرکززدایی از هویت، سیال بودن و موقعیت‌مندی آن را موشکافانه توضیح داده است. نظریات هال در خصوص هویت صرفاً نظری و در حیطه معرفت‌شناسی نیست. تغییرات اجتماعی اخیر به ویژه ابعادی که کاستلز، گیدنز، هاروی، رابرتسون و دیگران آن را تحت عنوان «جهانی شدن» معرفی کرده‌اند، شدیداً مورد توجه وی بوده و تلاش کرده است که هویت را در درون این تغییرات صورت‌بندی کند. مطالعات هال در این زمینه تاریخی، زمینه‌مند و مبتنی بر تجربه گروه‌های اجتماعی فراوانی در اواخر قرن ۲۰ است. هال متفکری جزئی‌نگر نیست که پدیده‌ها را جدای از زمینه‌های شکل‌گیری‌شان مطالعه کند؛ بنابراین قرائت متون وی پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی در جهان امروز را برای خواننده مشهود خواهد کرد.

هال نیز مانند دیگر متفکران برجسته همچون وبر، الیاس، فوکو، بنیامین و ... دائماً با عطف به تجربه‌ای تاریخی دست به نظریه‌پردازی می‌زند. یعنی جنس نظریه‌پردازی او از نوع کار محض روشنفکری یا بازی با مفاهیم نیست بلکه نظریه‌اش را در نسبت با آنچه بر سیاهان و مهاجران در دهه‌های اخیر رفته صورت‌بندی می‌کند آن هم در متن یک تجربه جهانی. برای هال، هویت همچون «درد خانه» مضاعف است؛ چرا که نه امکان بازگشت به خانه وجود دارد و نه مستقر شدن در خانه جدید آرامش و قراری تضمین شده به آدمی اعطا می‌کند. این در حالی است که تعلق داشتن به خانه قدیمی را نیز انکار نمی‌کند و اثر و رد آن را دائماً یادآوری می‌کند، همانطور که تلاش برای قراربندی در خانه‌ی کنونی را نیز علی‌رغم همه تهدیدهایی که ممکن است در آینده متوجه آن شود ناگزیر می‌داند. از همین منظر است که هال نه به تلاش برای یافتن نفسی مستور و نهان، دل خوش می‌دارد و نه از ماهیت موقتی و

برساختی نفس اینک تکوین یافته غافل و ناآگاه است. حال به تجربه‌ای که خود از سر گذرانده وفادار است و در تلاش است که زبانی مناسب برای بیان آن پیدا کند؛ زبانی که بتواند بدون درافتادن به دام لفاظی‌های رایج درباره هویت، تمام تنشها، تناقضات و پارادوکس‌های مستتر در تجارب مربوط به سیاه بودن، مهاجر بودن، و تعلق داشتن به قومیتی خاص را در تحلیل لحاظ کند و این همه را با تکیه بر امر محلی به انجام رساند. بدین ترتیب، حال به دنبال سبک کردن بار گذشته برای آن دسته از مردمانی است که در تجربه مدرنیته و در مواجهه با دیگری «تجربه آسیب‌زا»یی را از سر گذرانده‌اند. اما از نظر حال، این بار سبک نمی‌شود مگر این که حاملان این هویت زخمی فقط در گذشته نمانند و در عین حفظ تعلق به سنت و گذشته‌ای تاریخی که به ناگزیر خاص آنان است شهادت مواجهه با مختصات هویتی در جامعه جدید را تمرین و تجربه کنند؛ چرا که در چنین زمانه‌ای «بودن» همان «شدن» است.

به دلایل چندی دست به ترجمه این کتاب زده‌ایم؛ نخست، در ایران حال را با نظریه ارتباطی و بازنمایی‌اش می‌شناسند، با این وجود چنین مباحثی، صرفاً بخشی از منظومه فکری او محسوب می‌شوند. عمده اندیشه‌های وی در باب جهانی شدن و ارتباط آن با هویت، مهاجرت و دیالکتیک هویت‌های فرهنگی و قومیت‌های متاخر است. مباحثی پر بسامد و بسیار مهم در شرایط امروزین جهان که می‌توانند به غنای مطالعات فرهنگی در ایران بیافزایند. دوم، مطالعات فرهنگی در ایران، درگیر مطالعه در چهار حوزه بازنمایی، مصرف، مخاطب‌شناسی و زندگی روزمره‌ی طبقه متوسط [تهران] بوده‌است، از این روی، فرودستان شهری، خرده فرهنگ‌ها، اقلیت‌ها، هویت‌های فرهنگی و تغییر اجتماعی در مقیاس کلان چندان مورد توجه آن نبوده است. حتی پژوهش‌های چندانی درباره استان‌ها و شهرهای دیگر ایران انجام نشده

است. سوم، مهاجرت‌های عمده‌ی مردم کشورهای درگیر جنگ در خاورمیانه به اروپا، مواجهه هویت‌های فرهنگی را به مسأله مهمی در جهان امروز تبدیل کرده است، امید آن می‌رود مقالات کتاب منطق این تحولات و تاثیر آن بر هویت فرهنگی را روشن و فهم‌پذیر کنند.

این مقالات که در برگیرنده مهم‌ترین نظریات حال در حوزه هویت، تفاوت و دیاسپورا هستند در کنار هم آمدند تا مجموعه کاملی را تشکیل دهند. فصل اول مقاله‌ای است با عنوان «مقدمه: چه کسی به هویت نیاز دارد؟»^۱. حال در این مقاله سعی دارد تا گفتمان‌های جدید و قدیم مربوط به هویت را مرور کند. به زعم حال، هویت‌ها به واسطه شرایط خاصی در عصر جهانی شدن، شرایط متناقض گونه‌ای پیدا کرده‌اند. این تناقضات بیش از هر چیز در سطح گفتمانی اتفاق افتاده که نقدهای دقیق و بیشماری بر پیکره این مفهوم وارد کرده است. محور این انتقادات نقد اومانیزم دکارتی سوژه خودبنیاد بوده است که توسط نحله‌ها و پارادایم‌های فکری متعددی مثل فمینیسم، زیانشناسی، مطالعات فرهنگی و حتی خود فلسفه به چالش کشیده شده است. نقد ذات‌گرایانه مفهوم هویت به همراه سیاست‌های چندفرهنگی و قومی در چند دهه اخیر در سرتاسر جهان، به همراه ظهور تفکرات پست مدرنیستی ضرورت مفصل‌بندی مجدد هویت و دلالت‌های معنایی آن را افزایش داده است. حال برای پاسخ دادن به این وضعیت متناقض، چندگونه و پاره‌پاره این سوال را مطرح می‌کند که چه کسی به هویت نیاز دارد؟ به تعبیر دیگر مسأله حال در این مقاله این است که هویت پاسخگوی چه نیازی از چه کسانی است؟

برای پاسخ به این پرسش، هر چند مفاهیم پیشین هویت کفایت نمی‌کند و نمی‌تواند تنها با استفاده از این مفاهیم این پیچیدگی‌ها

1. Hall, S. (1997), "Introduction: who Needs Identity?" in S. Hall and P. Du Gay (eds), *Questions of Cultural Identity*, London: Sage.

را توضیح داد، اما برای آغاز بحث و نیز درک درست سیاست‌های موقعیت، ما نیازمند این مفاهیم هستیم. با این حال این مفاهیم بر اساس نوعی نقد و اساسانه و در هم شکستن معانی آن امکان‌پذیر خواهد بود. شیوه دوم پاسخگویی به پرسش هویت توجه به مساله عاملیت و در راس آن سیاست هویت است. هر چند هال، همچون فوکو هیچ تمایلی به عاملیت، به معنای سوژه خودبنیاد ندارد، اما معتقد است که این مفهوم را مجدداً بایستی در کردارهای گفتمانی از نو مفصل‌بندی کرد. از همین منظر رابطه سوژه و گفتمان و در ادامه آن کردارهای این سوژه در درون یک گفتمان خاص است که می‌تواند به پرسش ما در رابطه با اینکه چه کسی به هویت نیاز دارد، پاسخ دهد. هال در ادامه گفتمان‌های مختلفی را که به این پرسش پاسخ داده‌اند را بر اساس مفهوم هویت‌یابی توضیح داده و در خلال آن سیاست‌های کنونی هویت را شرح می‌دهد. به زعم هال از این رو که هویت‌ها در درون گفتمان ساخته می‌شوند و نه در بیرون آن، ما باید آن‌ها را همانند جایگاه‌های نهادی و تاریخی خاصی درک کنیم که در درون صورت‌بندی‌ها و کردارهای گفتمانی خاص و از طریق راهبردهای قابل بیان تولید می‌شوند. هال معتقد است که هویت‌ها درون بازنمایی ساخته می‌شوند و نه بیرون از آن. به همین دلیل سیاست‌های هویتی قرابت زیادی با سیاست‌های بازنمایی دارد.

فصل دوم کتاب درباره مقاله‌ای است با عنوان «چیستی هویت‌های فرهنگی»^۱. هال در این مقاله پروبلماتیک هویت‌های مدرن و به چالش کشیده شدن هویت‌های سنتی را بحث می‌کند. از نظر هال هویت‌های قدیم که برای مدت زیادی جهان اجتماعی را استحکام بخشیده بودند در حال زوال هستند و جای خود را به هویت‌های جدیدی می‌سپارند

1. Hall, S. (1996), "The Question of Cultural Identity" in S. Hall, D. Held and T. Mc, Grow. (eds), *Modernity and its Futures*, Cambridge: Polity.

و فرد مدرن به عنوان سوژه یکپارچه در حال فروپاشی است. به زعم هال "بحران هویت" بخشی از فرایند گسترده‌تر تغییری است که ساختارها و فرایندهای مرکزی جوامع مدرن را از جای خود خارج می‌کند و به چارچوب‌هایی آسیب می‌رساند که تکیه‌گاه محکمی برای افراد در جهان اجتماعی بودند. هال در این مقاله به بحث «بحران هویت» در عصر حاضر می‌پردازد و اینکه چه چیزی در عصر حاضر باعث این بحران شده و پیامدهای آن چیست. در این زمینه، مدرنیته و جهانی‌شدن آن از مهمترین عوامل مؤثر معرفی می‌شود. از این منظر تغییر ساختاری عصر مدرن با تغییر چشم‌اندازهای فرهنگی، طبقه، جنسیت، سکسوالیته، قومیت، نژاد و ملیت که پیش‌تر از این پناهگاه محکمی برای هویت محسوب می‌شدند، جایگاه و هویت افراد را تغییر داده و درهم می‌ریزند. این همان چیزی است که از آن به عنوان سوژه مرکززدایی شده نام برده می‌شود که به بحران هویت تعبیر می‌شود. در ادامه هال سه مفهوم از هویت در بستر تاریخی را از هم متمایز می‌کند:

۱. سوژه روشنگری؛ ۲. سوژه جامعه‌شناختی و ۳. سوژه پست مدرن.

سوژه روشنگری همان سوژه دکارتی است که بر یکپارچگی و استواری انسان تاکید می‌کند. این همان سوژه خودآگاه در اندیشه روشنگری است که ظرفیت‌های تعلق، آگاهی و عمل داشت. این سوژه دارای یک هسته درونی بود که با تولد فرد ظاهر شده و همراه با آن شکوفا می‌شد و تا آخر عمر همراه با او باقی می‌ماند. چنین سوژه خودآگاهی خودش موضوع تاملات و ارزیابی‌های خویشتن است. اما سوژه جامعه‌شناختی، دیگری را در مرکز شناخت هویت افراد قرار می‌دهد. از دیدگاه جامعه‌شناختی، خود اساساً اجتماعی است. خویشتن بر خلاف سوژه روشنگری نه تنها نفوذپذیر است، بلکه جدای از دیگران نیست و دیگران بخشی از وی هستند.

در ادامه این مقاله هال بیان می‌کند که همه این هویت‌های یکپارچه

در حال زوال و فروپاشی هستند. سوژه پست مدرن بر خلاف سوژه‌های قدیمی که دارای یک هویت یکپارچه و درونی بودند، اکنون از چندین هویت متناقض و حتی غیر قابل سازش به صورت همزمان تشکیل شده است. به عبارت دیگر منابع هویت در دنیای پست مدرن متنوع‌تر، متغیرتر و مساله‌دارتر شده است. در عصر پست مدرن هویت به یک جشن موج تبدیل می‌شود که در ارتباط با شیوه‌هایی از نظام فرهنگی شکل می‌گیرد و متحول می‌شود که ما را احاطه کرده‌اند و دائماً به وسیله آنها بازنمایی می‌شویم و مورد خطاب قرار می‌گیریم. به زعم هال، هویت به شیوه‌ایی تاریخی تعریف شده است و نه بیولوژیکی. بنابراین پا به پای تغییرات تاریخی، سوژه در زمان‌های متفاوت هویت‌های مختلفی می‌پذیرد و اسطوره یک هویت یکپارچه و جهانشمول به خاطر تسلی خویشتن به وسیله روایتی آرامبخش از خود است.

هال برای نشان دادن گسستگی و بحران هویت در عصر کنونی، مثالی از یک قاضی سیاه پوست محافظه کار را مطرح می‌کند که توسط جورج بوش برای ریاست دیوان عالی کاندید می‌شود. این قاضی همچنین متهم به تجاوز جنسی به همکار زن سیاه پوست رده پایینی خود است. کشمکش بر سر انتصاب این قاضی، هویت‌های متناقض و متفاوتی را به جان هم انداخت که گاه به صورت همزمان در یک فرد وجود داشت. زنان سیاه پوست، زنان سفید پوست، مردان سیاه، مردان سفید، هر کدام با تفکرات لیبرال و یا محافظه کار، با تاکید بر یکی از ابعاد هویتی خود (جنسیت، نژاد، جهت‌گیری سیاسی، پایگاه اجتماعی) بایستی نسبت به این مساله موضع می‌گرفتند. این مثال، نمونه بارزی از بازی هویت‌ها در عصر حاضر است.

در ادامه باید پرسید که چه چیزی در دنیای پست مدرن رخ داده است که هویت را چند تکه و مرکز‌زدا کرده است. هال برای پاسخ به این سوال ویژگی‌های مدرنیته متاخر را توصیف می‌کند و به ویژه بر

جهانی شدن و تاثیرات آن بر هویت فرهنگی متمرکز می‌شود. وی به مهاجرت‌های کلان اواخر قرن ۲۰ و رسانه‌های جمعی اشاره می‌کند و معتقد است که این دو توانسته‌اند رابطه زمان، مکان و فضا را که زمانی منطبق بر هم بودند، به هم بریزند. این سه بنیان هر نوع نظام بازنمایی هستند و هویت‌های فرهنگی نیز به مثابه نظام بازنمایی چنین‌اند و دچار بحران هویت شده‌اند. بنابراین با کم‌رنگ شدن هویت‌های ملی، بر ورای آن هویت جهانشمول و عام و در سطح محلی هویت‌های خاص در حال ظهورند. این هویت‌های خاص گاهی خصمانه و به صورت بنیادگرایی ظهور می‌کنند و گاهی نیز از طریق بازسازی عام گرایانه. در هر حال در جهان فعلی بشر با دیالکتیکی از هویت‌های فرهنگی مواجه است.

فصل سوم کتاب نیز مقاله‌ای با عنوان «هویت فرهنگی و دیاسپورا»^۱ است. به زعم استوارت هال یکی از پیامدهای بحران هویت در عصر حاضر مساله دیاسپورا است. دیاسپورا که با مساله تبعید و مهاجرت‌های اجباری و عصر بردگی پیوند خورده است، هم‌اکنون وارد عرصه جدیدی شده است. نسل‌های دوم و سوم کسانی که مهاجرت کرده‌اند و یا کوچانده شده‌اند هم‌اکنون در وضعیت‌های متناقضی به سر می‌برند. از یک سو تاریخ این افراد با تاریخ بردگی، با تاریخ استعمار و استثمار پیوند خورده است و از سوی دیگر نسل‌های دوم و به ویژه سوم به بعد با دوگانگی وطن اصلی و جایی که در آن به دنیا آمده‌اند مواجه هستند. این وضعیت نوعی هویت فرهنگی را شکل داده است که به زعم هال مردم با یک تاریخ و دودمان مشترک، به شکل مشترکی تصرف می‌کنند، تعریف می‌شود. این پیشینه فرهنگی، هویت‌های فرهنگی دیاسپورا، تجربیات تاریخی و کدهای فرهنگی

1. Hall, S. (1990), "Cultural identity and diaspora" in J. Rutherford (ed), *Identity: Community culture*, london: Lawrence & Wishart.

مشترکی را انعکاس می‌دهد که برای این تبعیدی‌ها به مثابه یک فرد با ثبات، قالب‌های مستمر و تغییرناپذیری از ارجاع معنا، تحت نفوذ یک دسته‌بندی در حال تغییر و دگرگونی غیر قابل انتظاری در تاریخ واقعی فراهم می‌آورد. مساله اصلی این است که جهانی شدن با همه معایب خود ابزارها و رسانه‌هایی را در اختیار گروه‌های حاشیه‌ای قرار داده است تا بتوانند به بازنمایی هویت‌های فرهنگی خود پردازند و از این رو درگیر در سیاست‌های بازنمایی هویت فرهنگی شوند. این وضعیت نقش بسیار عمیقی در مبارزات فرودستان و شکل‌دهی به جهان نوین ما دارد. استوارت هال معتقد است تاریخ استعمار و تاریخ بردگی همیشه با سیاست‌های بازنمایی، با جعل تاریخ، با جعل دانش درونی استعمارشدگان و استیلای آنان از طریق بازنمایی همراه بوده است. به همین دلیل همیشه مقاومت از بعدی بازنمایی تاریخ، بازنمایی خود و بازنمایی دیگری از سوی افراد فرودست بوده است.

فصل چهارم کتاب با عنوان «قومیت: هویت و تفاوت»^۱ سخنرانی هال در یک همایش علمی بوده است که در آن هال، قومیت را به عنوان یکی از مهمترین نشانگاه‌ها و بزنگاه‌های هویتی معاصر معرفی می‌کند. وی به دو دلیل اهمیت پرسش از قومیت در کنار مفهوم هویت را مطرح می‌کند. اول اینکه پرسش‌هایی مربوط به به هویت و قومیت، به یکباره در مناظرات و بحث‌های انتقادی و روشنگرانه انگلیس ظاهر شده است و عمده دلیل این امر نیز قدرت گرفتن تاچر نخست وزیر وقت انگلستان و پیگیری سیاست‌های نژادی خاص او بوده و دوم به این دلیل که رابطه بین هویت‌های فرهنگی و قومیت، پرسشی است که در آن زمان به عاملیت سیاسی در بریتانیا مربوط می‌شد. لحن و بوی این مقاله، کاملاً سیاسی بوده و مطابق با استراتژی‌های مطالعات فرهنگی

1. *ETHNICITY: Identity and Difference*. This is an edited version of a speech delivered at Hampshire Collage, Amherst, Massachusetts. In the spring of 1989

برای احیای سیاست‌های بازنمایی است. به واقع حال در این سخنرانی ضمن برشمردن ابعاد مختلف هویت در عصر حاضر، گسست‌ها و بحران‌های هویت و فروپاشیدگی هویت‌های مسلوب پیشین سعی می‌کند تا دیگری را در مرکز گفتمان‌های هویت قرار دهد. اما این دیگری چندان ناپیستی خصمانه باشد. از نظر حال الزامات پیشگیری از رابطه خود با دیگری و در ادامه آن شکل‌گیری منطق هویت نه بر اساس طرد و به حاشیه‌راندن و استثمار و فرادستی/فرودستی، بلکه بر مبنای اصل تفاوت قرار دارد. پذیرش دیگری به عنوان هویتی متفاوت در عین حال محترم. به نظر حال چنین تصویری از هویت با سیاست‌های نژادی و قومی که در آن زمان در انگلستان ظهور یافته بود تناقض دارد. در فصل بعدی این کتاب مقاله «قومیت‌های جدید»^۱ ارائه شده است که همان منطق فصل پیشین را ادامه می‌دهد. استوارت حال در این مقاله به طور خاص بر تجربه سیاهان و به ویژه دیاسپورای سیاهان در فضای کشور انگلستان می‌پردازد. از نظر وی سیاست‌های نژادی در انگلستان بیش از هر چیز خود را در عرصه بازنمایی، به ویژه در اشکالی مانند فیلم، موسیقی و ادبیات خود را نشان داده است. به زعم حال نبرد برای تصرف بازنمایی در جهت انتقاد از بازنمایی منفی و تاریک سوژه سیاه، که ویژگی بسیار غالب بازنمایی سوژه سیاه است، در جامعه انگلستان قابل پیش‌بینی بود. گونه‌ای نگرانی، صرفاً نه به خاطر غیاب یا حاشیه‌ای شدن تجربه سیاه، بلکه به خاطر ساده‌سازی و خصیصه‌عادی‌سازی این تجربه وجود داشت. از این رو سیاست‌ها و استراتژی‌های فرهنگی سیاهان که در قالب شیوه‌های متفاوتی از بازنمایی خود را نشان می‌داد، حول این انتقادات توسعه یافته‌اند. در همین زمینه حال، این پرسش را مطرح می‌کند که گفتمان مسلط

1. Hall, S. (2005). "New Ethnicities" in D. Morley and Kuan-Hring Chen (ed), *Stuart Hall: Critical Dialogues in Cultural Studies*, London: Routledge.

چگونه سیاهان را بازنمایی می‌شوند و تشکیلات و رژیم‌های بازنمایی در یک فرهنگ چگونه نقشی اساسی بازی می‌کند. این مساله پرسش از فرهنگ و ایدئولوژی و سناریوهای بازنمایی (سوژگی، هویت، سیاست) را پیش می‌کشد که جایگاهی بر سازنده (و نه صرفاً بازتابی) در سرشت حیات سیاسی و اجتماعی آن روز انگلستان دارد. به هر حال، هال معتقد است که موقعیت‌های فرودستی، بیش از هر چیز در گفتمان‌ها است که تثبیت می‌شود و محور اصلی در شکل‌گیری و تثبیت هر گفتمانی سیاست‌های بازنمایی آن گفتمان خواهد بود.

در انتها مقاله‌ی از لارنس گراسبرگ تحت عنوان «هویت و مطالعات فرهنگی»^۱ را اضافه کرده‌ایم که حکم نقد، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی دیدگاه‌های هال را خواهد داشت. از نظر گراسبرگ گرایش چشمگیری برای برابر دانستن مطالعات فرهنگی با نظریه و سیاست هویت و تفاوت وجود دارد، به ویژه تحت تاثیر آنچه که نظریه استعماری و نظریه انتقادی نژاد می‌نامند. در همین راستا وی سعی دارد تا بنیان‌های نظری این گرایش‌ها را به چالش کشیده و نقد کند. گراسبرگ سعی دارد بر خلاف نگاه خوشبینانه مطالعات فرهنگی به مفهوم هویت به عنوان جایگاهی مناسب برای مبارزات سیاسی، این ایده را به چالش بکشد. در همین زمینه وی معتقد است مطالعات فرهنگی نیازمند حرکت به سوی الگویی از مفصل‌بندی به مثابه «کرداری دگرگون شونده»، به مثابه واحد منفردی که تبدیل به یک اجتماع می‌شود، است. این الگو دیگر نمی‌تواند چندان بر اساس مفاهیم پسااستعماری صرف، بر اساس روابط فرادستی و فرودستی و به تعبیر کلی بر اساس ادبیات شرق‌شناسانه پیش رفته و مفصل‌بندی شود. به زعم گراسبرگ تکیه صرف بر مقاومت سوژه منفرد و مقابله در برابر روابط قدرت، نادیده

1. Grossberg, L. (1996), "Identity and Cultural Studies: Is that There is?" in S. Hall and P. Du Gay, (eds), Question of Cultural Identity, London: Sage.

گرفتن برساخت گفتمانی سوژه و مفهوم استیضاح است. علاوه بر این، دو مقاله هال با عنوان «بومی و جهانی: جهانی شدن و قومیت» و «هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید» پیش از این در مجله ارغنون شماره ۲۴ با ترجمه آقایان بهزاد برکت و شهریار وقفی‌پور منتشر شده‌اند، بنابراین از گنجاندن آن‌ها در این کتاب صرف نظر کردیم. در پایان از جبار رحمانی و همکارانش در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات که ما را در انتشار این کتاب یاری رساندند، کمال تشکر را داریم.

سیاوش قلی‌پور

علیرضا مرادی

۱۳۹۵